

مردم سرکش یونان نمیخواهد زیر ساطور سلاخی برود

هموطنان و کارآگاهان سیاسی کشور ما و جهان در چندین ماه اخیر شاهد برخوردهای مردم با مقامات دولتی در کشور یونان اند. از ورای امواج تلویزیون و وسایل اطلاعات جمعی حقایق و ارقامی در مورد بحران اقتصادی دنیای "آزاد" سرمایه به نشر میرسند که هر چند بعد از سانسور مطبوعاتی بورژوازی خیلی تکان دهنده اند.

تیوری ها و پیشگویی های پایه گذاران اندیشه های مترقی قرن گذشته در مورد خصوصیات نظام سرمایه داری بطور بطنی، ولی حتمی، به اثبات میرسند، اما از آنجای که سرو صدای تبلیغات بورژوازی آنقدر چشمگیر و کرکننده است که حقایق را تحت الشعاع قرار میدهد و کتله های بزرگی از انسانهای بیخبر از سیاست و همچنان ناپایدار در راه مبارزه برای رهایی از زیر یوغ استعمار را براه های غلط میکشاند.

بحرانیکه از برکت سیاست های منفعت جویی های پایان ناپذیر کشورهای بزرگ سرمایه داری، بخصوص ایالات متحده آمریکا، دامنگیر تمام نظم اقتصادی جهان گردید، در هر کشور نظر به موقعیت اقتصادی آنکشور در جامعه بین المللی کمتر و یا بیشتر انعکاس نموده است، ولی آغاز کار از ضعیف ترین آنهاست. نمونه مثال از جهان سوم عراق و افغانستان و اکثریت کشورهای آفریقایی و از جهان سرمایه همانا کشور های مانند اروپای شرقی و آرام آرام کشورهای مانند یونان و در آینده نزدیک پرتگال و اسپانیا را در بر میگردد.

قربانی دست اول این آزادی لجام گسیخته انحصاری همانا طبقه کارگر و دهقان و اقشار ستمکش هر کشور اند و کفاره بی توافقی اقتصادی سیستم "آزاد و دموکرات" بورژوازی را اینها باید بپردازند.

با وجود نبود یک تکیه گاه و یک نیروی بزرگ جهانی، مانند شوروی سابق، توده های تحت ستم به ساده گی نمیخواهند زیر بار مانور های سرمایه بروند. مثالها درین مورد زیاد است.

درین اواخر ما شاهد برخوردها و اعتصابهای طبقه کارگر و زحمتکشان یونان بودیم که هنوز هم ادامه دارد. پولیس و مقامات امنیتی در سرکوب این جنبشهای کارگری فعال بوده و همواره کوشش مینمایند تا با وسایل قانونی، یعنی ممنوع قرار دادن اعتصابات و حرکتهای کارگری - مردمی، از آنها جلوگیری نماید، اما زحمتکشان از حقوق خویش تا اکنون با سربلندی دفاع نموده اند. موفقیت اعتصابهای ۴۸ ساعته مردم و بخصوص کارگران و زحمتکشان و جوانان کشور یونان، ۲۱ و ۲۲ اپریل سال روان ترسایی، نمونه بارز آنست. ده ها هزار کارگر و نادار و جوانان، اعم از سکتور و دولتی و خصوصی، به ندای اتحادیه کارگری (جبهه مبارزه سراسری کارگران) لبیک گفته، به خیابان ها ریختند و مقاومت کردند. این جبهه از مقاومت زحمتکشان ۶۹ شهر یونان حمایت کرد.

این اعتصابها از یکجانب کارگران و ستمکشان را برضد رفرمهای دولت سوسیال دموکرات یونان (دولت پاسوک، جنبش سوسیالیستی پانهلنیک، تکیه بر ویکی پدیا)، به خصوص بلند بردن مالیات، سوق نمود و از جانب دیگر قانونی بودن سرزنش و بی روحیه سازی سازماندهی جنبش های کارگری از جانب دولت و ثروت اندوزان را زیر سوال برد.

این اعتصابها جواب دیگری بود برضد رفرم های دولتی یعنی کثر معاشات و حقوق بازنشستگی، بلند بردن سن تقاعد، بسط شرایط نامساعد کار، قانونی ساختن سبکدوشی های کتلوی کارگران و زحمتکشان و خصوصی ساختن ملکیت های دولتی با شیوه های ارتجاعی.

این اعتصابها نوید دهنده پیروزی طبقه کارگر و زحمتکشان یونان اند که شیوه های اعمال ارعاب توسط بورژوازی را نقش بر آب نمودند. کارگران بندری - بحری و ماهیگیران شهر پیره نوس بر ضد ممنوع اعلان نمودن اعتصابها از جانب محکمه برخاستند و این مقاومت و مبارزه ای آنها را تمام کارگران بخشهای دیگر مانند کارگران صنعتی، فروشگاه های بزرگ، هوتلها و سایر مؤسسات پیروی کردند.

طبقه کارگر یونان برضد تدابیر اعتصاب شکننده سرمایه داران، که با تمام امکانات تبلیغاتی علیه اقدامات اتحادیه زردها (کنفدراسیون سراسری کارگران یونان، تکیه بر ویکی پدیا) مبارزه میکند قدامت کردند و آنرا خنثی نمودند. فدراسیون اتحادیه

کارمندان و مامورین سکتور عمومی نیز بتاريخ ۲۲ اپریل به این جنبش پیوستند و در تظاهرات شهر آتن، که از بین مردم عوام کمتر شرکت کننده داشت، سهم گرفتند.

هزاران شرکت کننده، بسیج شده از جانب جبهه مبارزه سراسری کارگران، در میدان سینتاگمای شهر آتن گردهم آمدند تا برخورد های ضد انسانی و ضد کارگری مقامات دولتی، کارفرمایان، اتحادیه اروپا و احزاب بورژوازی را با اعتصاب کننده ها تقبیح نمایند.

خانم الیکا پیه ریگا منشی عمومی حزب کمونیست یونان، که در پیشاپیش یک هیئت حزب کمونیست یونان در آتن راه پیمایی مینمود از مقاومت کارگران بحری - بندری برضد وضع قانون منع اعتصاب قدردانی نمود. او گفت: "ما باید مقاومت نماییم، در غیر آن ما را به میزهای سلاخی و شکنج و بروکسل تسلیم مینمایند."

ولی در جانب دیگر قضیه چه میگذرد؟

بقول اوآنتی، ارگان مرکزی حزب کمونیست پرتگال، "در سیاست راستی ها و اقیعیتها معمولا" وقتی برملا میگردند که همسایه ها باهم دعوا مینمایند. بهر صورت این حکایت ها همیشه از دهان دیوانه ها بگوش میرسند."

خواننده گرامی شاید اطلاع داشته باشد که چندی پیش در پارلمان آلمان دو تن از نماینده گان، پیشنهادی را مطرح کردند مبنی بر اینکه یونان باید قسمتی از خاک خود و یا دارایی های کلتوری خود را، مثلا" اکروپولیس شهر آتن، را به معرض فروش بگذارد تا حالت بحران مالی کشور خود را تحت کنترول درآورد.

این پیشنهاد از آن نوعی است که در پی آن، اعلان یک مسئله مرکزی مهم دیگری در صدر قرار میگیرد و آن بستگی به خصوصیت نظام سرمایه دارد. از جانبی این دو نماینده پارلمان مربوط به گروپ راست افراطی اند و از جانب دیگر روزنامه "بیلد" که این مسئله را بزرگ جلوه داده است یک روزنامه جنجالی به حساب می آید. اما آنچه را بدین وسیله میخواهند پنهان نمایند سوالیست که: چه باعث شده تا این دو سیاستمدار آلمانی در شرایط پیچیده کنونی این چنین پیشنهاد را در مورد یک کشور مستقل مطرح نمایند. شرایط پیچیده کنونی چیزی دیگری نیست بجز شرایط اتحادیه اروپای که بعد از انفاذ "قرارداد لیزابون" در خصوص دگم اسعاری و نیولیرالیستی به حکم اجرا در آمده است، شرایطیست که در آن، کشور های بزرگ سرمایه داری اروپا در رأس قرار گرفته اند و میخواهند آنها را در معرض نمایش قرار دهند.

آنچه را این دو نماینده راست افراطی پارلمان آلمان طرح نمودند در مفهوم دیگر آن بیان یک مسئله ایست که بیروکراسی اروپایی بشکل محتاطانه فرمولبندی مینماید و آن عبارت است از: راهی را که اتحادیه اروپا پیش گرفته است چیزی دیگری نیست بجز سرعت بخشیدن پروسه از دست دادن حق حاکمیت ملتها و دولتهای وابسته و ضعیف. حالا وقتی دولت ها حق حاکمیت خود را از دست میدهند، چه اشکالی دارد که بخشی از خاک خود را و یا بخشی از دارایی های کلتوری و فرهنگی خود را، که هویت ملی آنها را تشکیل میدهد، نیز از دست بدهند.

بگفته روزنامه اوآنتی پرتگال: این خصوصیت سرمایه داریست که همه چیز را به کالا تبدیل نماید. بقول کلاسیکهای اندیشه مترقی: "تنها کالا پول است. تنها پول کالا است! این چنین است بازار جهانی امروز" (برگرفته از کاپیتال مارکس، جلد اول فصل ۲۳، صفحه ۱۵۲).

بلی! این چنین است اتحادیه اروپای امروز.

ارسطو در نوشته خود بنام "دولت آتنی ها" چنین نوشته بود: "تمام سرزمین آتن در دست تعداد قلیلی بود و اگر اجاره کننده ها اجاره های خود را تحویل نمیتوانستند، خود و فرزندان شان به برده گی سوق میشدند. برای وام، آنها جسما" خود را به گرو میگذاشتند." برگرفته از نوشته ارسطو: دولت آتنی ها، جلد دوم، صفحه دوم و سوم.

این کلمات ۲۶ قرن پیشتر از امروز در یونان بیان شده بودند. امروز نیز مبارزه برضد آنهایکه میخواهند همه چیز را به کالا تبدیل کنند، از آثار فرهنگی و حق حاکمیت گرفته تا حق کارگران و مردم بطور مجموع، به سان ۲۶۰۰ سال قبل ادامه دارد.

اینبار آلمان و شرکا با توپخانه و تفنگ نه، بلکه با پول قرضه، کشورها و ملت های ناتوان تر دور و نزدیک خود را به غلامی خواهند کشید.

در اخیر یک سلسله ارقامی را که در مورد بحران کنونی کشور یونان که عضو اتحادیه اروپا است درین مدت از لابلای نشرات رادیو-تلویزیونی، مطبوعاتی و انترنتی بدست آورده ام برای خواننده محترم پیشکش مینمایم:

قرار تخمین کارشناسان غربی، قرضه های دولت یونان به ۲۷۳ میلیارد یورو بالغ میگردد. این مبلغ معادل ۱۱۵ درصد تولیدات مجموعی یونان است. تا تاریخ نهم ماه می سال روان، یونان باید اولین بدهی ۱۵ میلیاردی خود را پرداخت نماید. تنها در سه سال آینده دولت یونان باید ۱۳۵ میلیارد یورو قرضه و ربح آنرا بپردازد. قبلاً این مبلغ را ۴۵ میلیارد حدت زده بودند. الی سال ۲۰۱۵ دولت یونان باید سی قرضه خود را که به ۱۴۰ میلیارد یورو بالغ میگردد بپردازد. علاوه بر آن دولت یونان باید سالانه ۹۰ میلیارد یورو ربح قرضه های خویش را تحویل دهد.

تا حال تبصره ها بر آن اند که بانکروت دولت یونان باعث از بین رفتن اتحادیه اروپا میگردد و کشورهای معتبر اروپایی مانند آلمان، فرانسه، ایتالیا، کشورهای شمال اروپا و قسماً "هسپانیا و پرتگال و حتا سوئیس که عضو اتحادیه اروپا نیز نمیباشد باید متحداً برای پرداخت قرضه های دولت یونان، به اصطلاح زبان آلمانی، راست بایستند.

بر اساس گفته های وزیر اقتصاد آلمان، آقای راینر برودرله، کشور آلمان باید سالانه مبلغ ۸,۴ میلیارد یورو به یونان پول بفرستد. فرانسه ۶,۳ میلیارد، ایتالیا ۵,۵ میلیارد، اسپانیا ۳,۷ میلیارد، پرتگال ۰,۸ میلیارد، ایرلند ۰,۵ میلیارد و سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا متباقی ۴,۸ میلیارد یورو را بدوش میگیرند. ۱۵ میلیارد یورو را فوند جهانی اسعاری متقبل گردیده است.

بر اساس گفته های سردمداران اروپایی، کشور یونان باید تدابیر و پروگرام جدی در مورد صرفه جویی را تهیه و پیشکش نماید، زیرا به گفته چانسلر آلمان، خانم مرکل، بدون ارایه پروگرام صرفه جویی و پس انداز دولت یونان، یوروهای آلمانی تحویل نخواهند شد.

این گفته ها ادعای بالا را تایید میکند که اینبار کشورهای متمدن، کشورهای دور و نزدیک خود را با قرضه ها به غلامی و وابستگی میکشانند. نوبت آینده برای کشورهای پرتگال و اسپانیا ریزرف شده است، انهم در صورتی که جنگ جهانی سوم را جلوگیری کرده بتوانند. بازنده صد در صد مانند همیشه درین بازی ناپاک، کارگران، دهقانان و زحمتکشان تحت ستم اند که باید بهای لجام گسیختگی نظام سرمایه داری را با قیمت خون و جان خود بپردازند.